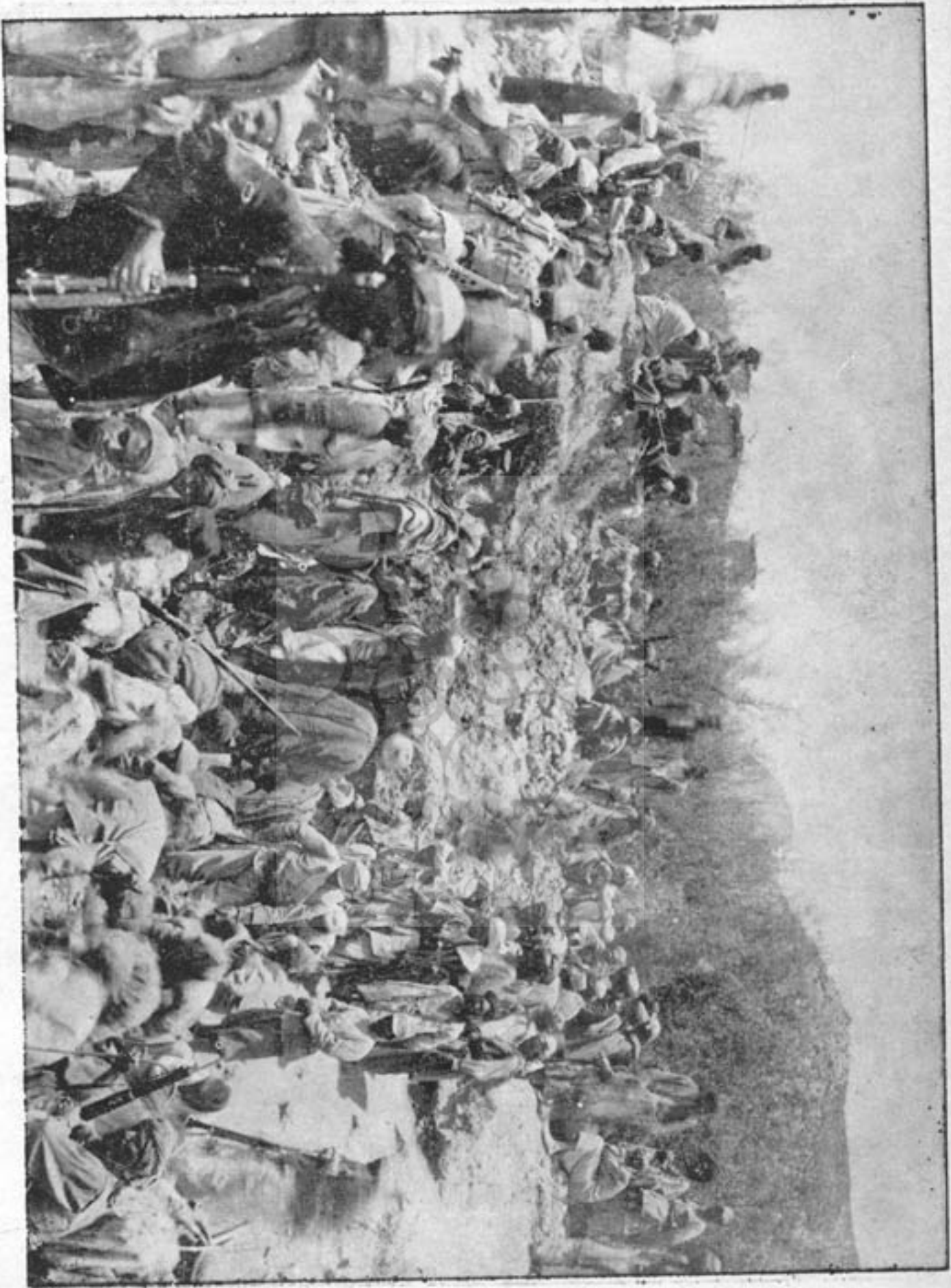


کشف مسکوکات

از میرز کت کردیز

بقاصله (۲۰) کیلومتری شمال شرق کردیز وضع ساختمان طبیعی زمین طوری بصورت غیر محسوس کسب ارتفاع میکنند که خط تقسیم آب رود احمد زائی و میرز که از آنجا شروع میشود یعنی آب باریک رود احمد زائی بطرف جنوب جانب کردیز سیر میکنند و آب باریک دیگر بنام رود میرز که طرف مقابل جانب شمال شرق جاری میشود رود خانه اول الذکر سپس بنام رود کردیز و باز دورتر بنام رود خانه زرمتم دند کردیز و جلگه حاصل خیز زرمتم را آبیاری نموده بطرف شمال غرب جانب که تواز رهسپار میشود و بالاخره اگر مقداری از آبیاری اراضی باقی ماند به آب ایستاده مفرمی ریزد رود خانه میرز که که سیر آن رخ بجانب شمال است از میان تپه ها گذشته بیای کوه های بلند تر و مشبه منگل میرسد و بعد دوری زده و استقامت شرقی را پیش میگیرد و با بعضی آب هائی که از دامنه های جنوبی سین غر سر از بر می شود بطرف دره کومل جاری میگردد از خط تقسیم آب که پیشتر ذکر کردیم سه کیلومتر دورتر بطرف شمال آب (چنجی فول) از طرف مشرق به آب میرز که یکجا شده و در سمت در مقابل دهن چنجی فول در سواحل چپ رود خانه غندی دیده میشود که آنرا امروز منگلی های قوم (ائی بی) یعنی ساکین محل بنام (کافر کوت) یاد می کنند این غندی از لر آب بردگی کنسار مسبر رود خانه تقریباً ۷۰ متر فاصله و از سطح مجرای آب در حدود ۳۰ متر ارتفاع دارد در مجاورت جنوبی کافر کوت قطعه زمین برجسته مربع شکل دیگری است و از روی پارچه های نیکرو خشت ریخته معلوم می شود که غندی مذکور و زمین برجسته مربع تا صد متری جنوب کافر کوت در زمانه های قدیم که عصر وزمان آنرا در آخر مطالعات خود معین می کنیم آباد بود.

معلی که تقریباً یک ماه قبل مسکوکات از آنجا بصورت تصادفی و اتفاقی پیدا شده چشمه ایست که به استقامت غربی و بقاصله (۷۰) متری غندی کافر کوت در لری آب بردگی کنسار چپ رود میرز که واقع شده و بعد از حفاریات بیشتر و مطالعات عمرانی واضح شد که اصلاً چشمه مانند بسا چشمه های هم شکل آن چیزی است نو پیدا که در امتداد مجرای رود خانه



(مهرز که) کردیز و ماکایی‌ها در اطراف محل کشف سکه مشغول کار و تماشای میباشند

البته بامختصر ادوات و آلات کار که همراه مسکوکات یکجا از میرز که بدست آمده گفته میتوانیم که اطلاق کشف مسکوکات یکی از ضرایف خانه های محلی بوده . تعیین نموده و اداره نمی که از طرف آن این سکه ها به ضرب میرسید امری است مشکل بعضی آنرا به تجارت خانه ها و برخی مجامع روحانیون نسبت داده اند بهرحال هرطور بوده از طرف قوه های کوچک محلی به ضرب رسانیده میشد . این سکه ها را به اصطلاح سکه شنا سی معمولاً (پنچ) یا (پنچ مارک) گویند و در سانسکریت به اسم (پوران) یا (قدیم) شهرت دارند و از نقطه نظر فلزی تقریباً میباشند یامسی - پنچ های قرمزی در میان مسکوکات میرز که خیلی زیاد است و بیش ازینکه سکه ها با یک شود بازم گفته میتوانیم که عده آن از هزار تجاوز میکند این سکه های ابتدائی از نقطه نظر شکل و برش بیشتر مستطیل و عده ای هم مدور میباشند و چون از طرف موسسات کوچک و مختلف جداگانه به ضرب رسیده اند اشکال متنوعی روی آنها دیده میشود که عجباً تا (۳۰۰) نوع آنرا سکه شناسان می شناسند و احتمال دارد که بعد از پاک کردن مسکوکات انواع جدیدی هم از کولکسیون میرز که پیدا شود . در میان (پنچ های) مستطیل و مدور ، دسته اولی را قدیم تر میدانند ولی روی هر دو دسته سکه های مذکور بعضی علائم و اشکال مشترک پیدا میشود .

بعضی ازین (پنچ ها) فقط یک شکل روی خود دارد بعضی دو سه و برخی از اشکال عدیده پر است این اشکال و تصاویر که تقریباً سه صد نوع آنرا می شناسند عبارت از تصاویر انسانی ، اسلحه ، اشجار ، پرندگان ، حیوانات ، آفتاب و ستارگان ، و بعضی اشکال آبدات بودائی را وانمود میکنند . معمولاً کثرت اشکال روی سکه را به انبساط داد و ستد و گردش سکه از یک دست به دست دیگر نسبت میدهند و علائم مختلف روی یک سکه نشان اعتبار آن در موسسات مختلف تجارتمی تعبیر مینمایند در روی دیگر این سکه ها معمولاً یک علامه که آنهم بیشتر مدور است دیده میشود . چون این سکه ها از طرف مؤسسات تجارتمی و دینی و بدست زرگرا و آهن گرهاضرت میرسید علامه اخیراً ذکر انشان و اعتباری تصور میکنند که از طرف پادشاه وقت بر سکه ها زده میشد و در این زمان که کنترل شاهی را او نمود میکرد . مسکوکات مقطوعه و ریخته شده قرمزی و مسی به تفصیلی که تا اینچاه شرح داده شد و آغاز ظهور آنرا به قرن ۱۶ ق م نسبت میدهند در تمام نقاط قند و ستان از دامنه های عالی گرفته تا اقصای جنوب هند یافت شده و کشف نمونه هائی هم مانند آن از میرز که کردیز وانمود میکنند که بلا شبهه در همان جریان قرن ۱۶ ق م این نوع مسکوکات افلا در حصص شرقی و جنوبی افغانستان قدیم (آریانا) به ضرب میرسید . مجموعاً سکه های بزرگ مسکوکات (پنچ) چه آنها می که مستطیل یا مدور ولی هموار هستند و چه آنها می که بصورت مبله مجوف بطول یک اینچ و دوسوت و یک پنچ و هفت سوت میباشند بیشتر از سواحل راس اندوس (سند) و اراضی متصل سواحل چپ آن پیدا شده مانند (باجور) که بین رود خانه چترال و سوات افتاده و خرابه های (بهیرموند) که از سومین شهر باستانی تا گزیلا نمایندگی میکنند . بار اول در سال ۱۹۲۴ - سرجان مارشل انگلیس (۱۶۰) عدد سکه (پنچ مارک) هموار قرمزی را با یک سکه فشنگ (دیودوت) موسس سلطنت مستقل یونان و باختری (۲۵۰ ق م) کشف کرده است در سال (۱۹۴۵) از همان طبقه خاک شهر (بهیرموند)

تا کنون (۱۱۰۰) سکه پنج نقره‌نی دیگر در اثر کاوش‌های علمی هیئت سرویس باستان‌شناسی هند در میان ظرف کلمی بدست آمده است .

در ۱۹۴۳ - از باجور از دو نقطه مختلف مسکوکات (پنج) و سکه‌های میله مانند نقره‌نی بدست آمده که یک عدد زیاد نوع اخیراً ذکر هنوز بضر ب نرسیده بود . شبهه نیست که کولکسیونیکه از میرز کوه گردیز بدست آمده از نقطه نظر تعداد از همه کشفیات نظیر آن مهمتر است و مطلبی که از شرح مختصر فوق واضح می شود این است که ضرب مسکوکات پنج و (پنجاه) و میله خمیده در ولایت کندهارا و پختیای افغانستان بیشتر معمول و مروج بوده و این نظریه را نقشه‌های جغرافیای تاریخی صفحات ۳۳۳ و ۳۳۵ رساله مسکوکات شرقی تالیف دومرگان فرانسوی هم بخوبی تأیید میکند .

مسکوکات مقطوعه و میله مانند نقره‌نی مسکوکات ریخته شده که اینجاد در چوکات تاریخی بین قرن ۶ و قرن ۲ ق م مطالعه میکنیم از نقطه نظر اشکال و تصاویر مضروب و مراتب قدامت تاریخی دقت میخواهد که تجزیه آن با تحقیقات علمی که از طرف دانشمندان متخصص بعمل آمده اشکالی ندارد ولی رسم‌ها و نقشه‌ها و تصاویر بکار است تا با متن مضمون یکجا نشر شود و این منظور عجالتاً با عجله‌نی که در کار است متأسفانه میسر نمیشود و در نمایش کوچکی که در موزه کابل تشکیل خواهد شد امید است خوانندگان گرامی مجله اصل مسکوکات و رسم‌ها و تصاویر را با مراتب قدامت و ارتباط مسکوکات معاینه بفرمایند .

اصول ساخت مسکوکات مقطوعه چنین بود که فلز (نقره یا مس) را بصورت نوار کم بریاسی درمی آوردند و بعد به اندازه‌های معین پارچه‌های مستطیل شکل ازان جدا میکردند و انگه‌ها به اصول مختلف ذریبه کوبه سرامی یا محض روی سندان فقط بیک طرف فلز مقطوعه شکلی را ضرب میزدند و روی دیگر آن در اوائل اشم میماند . روی قدیم ترین مسکوکات (پنج) هموار نقره میرز که تصاویر گروه سه نفری انسان اشکال حیوانات و اشجار و قبره دیده شده و چون تعداد این نوع سکه در کولکسیون ما از هزار تجاوز میکند مطالعه اشکال آن کاری است طولانی که به تدریج صورت خواهد گرفت . روی مسکوکات مقطوعه مستطیل مسی و مدور مسی اشکال (شاتیبا) یعنی یکی از ابتدات معبره سه گنبد بودنی با شکل هلال فراز گنبد فوفانی دیده میشود در یک روی بعضی از سکه‌های مدور کوچک مسی همان معبد سه گنبد و در روی دیگر درختی با چهار نقطه مدور پهلوی آن دیده میشود احتمال دارد که این بنای سه گنبد آبدیه معبره دیگری هم باشد که با آئین بودائی ارتباطی نداشته باشد .

نوع دیگر این قبیل مسکوکات قدیمه سکه‌های مستطیل یا مربع کلفت مسی است که در یک روی آن شکل قبل و در روی دیگر تصویر پلنگ یا شیر برجسته نقش است پیش روی پلنگ و نزدیک پشت قبل تصویر معبد سه گنبدی فوق‌الذکر با شکل هلال مشاهده میشود این نوع سکه در رسایل مسکوکات معمولاً بنام تا کر یا شناخته شده و چندین نمونه آن از میرز که بدست آمده است ولی احتمال زیاد میرود که ضرب آن محدود به تا کر یا نباشد زیرا فراریکه بعدتر خواهیم دید و نغز پادشاهان یونان و باختری افغانستان (آگاتوکلس) و (پانتائون) حین سلطنت در حوالی ۱۹۰ ق م در ولایت یارو یا میزادی (ولایت کابل) که از نقطه نظر اداری بعضی اوقات کندهارا را هم دربر میگرفت به تقلید ازان سکه‌نی بضر رسانیده‌اند که در موقمش بدان

اشاره خواهد شد این سکه هارا بار یختن فلز مذاب در میان دو صفحه قالب هم میساختند و تاریخ آنها را به قرن ۴ ق م نسبت میدهند ازین سکه ها گذشته نوبت به میله های خمیده (بنت بار) نقره می آید که از نقطه نظر شکل عجیب ترین نوع سکه بشمار میرود - این سکه ها بشکل میله هوار و کلفت نقره می است که از يك انچ و دو سوت تا يك انچ و ۷ سوت طول واز (۴ تا ۵) انچ عرض دارد و وزن يك دانة آن تا دو منقال هم میرسد ازین سکه ها بین سالهای ۱۹۲۰ و ۱۹۴۵ از نقاط مختلف تا کنزیرا روی هم رفته در حدود ۵۶ عدد پیدا شده و در ۱۹۴۵ چند دانة آن بایک سکه « فیلپ اریدوس » کشف گردیده که تاریخ آن به ۳۱۷ ق م تصادف میکنند عجالتا ازین نوع سکه ۹ عدد در بیریش موزیم و ۹ عدد دیگر در اندین موزیم است . درین سکه ها در دو انتها الیه آن يك يك شکل معین را ضرب میزدند که عبارت از يك شکل مدور شش بازو است که نوك های آن به اشکال هلال منتهی گردیده است . علت خمی میله این است تا نایه محذب حین ضرب کردن در آنجا خوب بشیند . موازی با این میله ها سکه های مدور چقرم هم بدست آمده که در روی مقعر آن همان شکل فوق الذکر نقش است و پشت محذب سکه اشم میباشد . از میرز کت گردیز از هر دو نوع سکه فوق عده می بدست آمده که تعداد آن بعد از مطالعه عمومی مسکوکات تعیین خواهد شد . این مسکوکات فرار اکثر احتمالات در جریان قرن ۴ ق م در ولایات شرقی افغانستان و در ماورای مشرقی اندوس درخاک در پنجاب معمول و مروج بود .

مربوطه باین گونه مسکوکات مستر (الان) در رساله مسکوکات هند قدیم که

یکی از کتابک های مسکوکات بیریش موزیم میباشد و در ۱۹۲۶ به طبع رسیده مینگارده که یکی از نویسندگان لاتین (کوینتس کورتیوس) خاطر نشان کرده است که امفیس (امپیی) شاه محلی تا کنزیرا هشتاد (تالنت) نقره ضرب زده که معادل تقریباً ۲۹۷ سیر سکوک شود در سال ۳۲۶ ق م به اسکندر مقدونی تقدیم نمود . مستر الان مذکور و بعضی مدققین دیگر به این مطالب و امثال آن استناد نموده مینگارند که سکه های ضرب زده درین وقت در حوزه سند و گندهارا وجود داشت . کشف مسکوکات (بنت بار) از مرکز ولایت یختیای افغانستان و محل ضرب آن در آنجا واضح میسازد که قبل از ظهور اسکندر مقدونی سکه های نقره بدین شکل و صورت در افغانستان شرقی و جنوبی بضررب میرسید .

بیشتر متذکر شدیم که تاریخ عده می از مسکوکات (بنت بار) یعنی سکه های

مطول نقره می که از (بهیر موند) تا کنزیرا در ۱۹۴۵ پیدا شده در اثر وجود يك عدد

سکه (فیلپ اریدوس) سال ۳۱۷ ق م تعیین شده است از حسن اتفاقات برای تعیین

تاریخ این قبیل مسکوکات میرز کت گردیز هم يك عدد سکه بدست آمده که مربوطه به

(لیزی ما کوس) است . لیزی ما کوس اصلاً یکی از ژنرال های اسکندر بود که در

۳۶۲ ق م تولد و در ۲۸۱ ق م وفات نموده است . مشارالیه بعد از وفات اسکندر مقدونی

(۳۲۳ ق م) و تجزیه اراضی مفتوحه بین ژنرال های سلطنتی در « تراس » یعنی در

ناحیه شرقی شبهه جزیره بالقان که قسماً ترکیبه اروپائی و قسماً جنوب بلغاری
 امروزه را در برمیگیرد سلطنتی تشکیل نمود . این لیزی ما کوس پادشاه یونانی (تراس)
 سکه های بزرگ طلائی و مسکوکات کوچک نقرهئی بضرر رسانیده و یک عدد سکه کوچک
 نقرهئی او در میان مسکوکات میرز که بدست آمده است در یک روی سکه سر جوانی
 باشاخ موج رخ به طرف راست بضرر رسیده و در روی دیگران ربه النوع (آتنه) با
 کسک فولادی رو بطرف چپ روی کرسی نشسته سیر مدور به پهلوئی او تکیه دارد و در
 کف دست راست هیکل بالدار فتح را گرفته است . این سکه بعد از ۳۲ ق م بضرر
 رسیده و احتمال بسیار میرود که مانند سکه فیلیپ اریدوس در حوالی ۳۱۷ یا یکی دو سال
 پس یا پیش به ضرب رسیده و سپس در اثر مراودات تجارتمی از سواحل بوسفور و مارمورا
 به کوه های افغانستان آمده باشد . بهر حال این حسن اتفاقات در کشف مسکوکات
 (بنت بار) تا کریلا و گردیز قابل ملاحظه است که از هر دو جا دو سکه تقریباً
 معاصر هم کشف شده و هر کدام بجای خود ثابت میسازد که در جریان قرن ۴ ق م
 سکه های مطول نقرهئی در ولایات شرقی و جنوبی افغانستان و در خاک های پنجاب و جود
 داشت و در معاملات داد و ستد تجارتمی در جریان بود . روی هم رفته قرار نظریات مدقیقینی
 که اسما و آثار شان را در اول مبحث این دسته مسکوکات تذکر دادم مسکوکات
 (پنج مارک) از قرن ۶ ق م شروع و در بعضی حصص شمال هند تا قرن دوم ق م دوام
 کرده است . گندهارا و یختیبا دو ولایت شرقی و جنوبی افغانستان از مراکز مهم ضرب
 این گونه مسکوکات بشمار رفته و فراریکه از روی تپه های حوالی گردیز معلوم میشود
 پیش از حملات اسکندر و دارا یوش بعضی از این سکه ها در نیمه شرقی افغانستان معمول بود
 بعضی ها انتشار و عمومیت قسمتی از این (پنج ها) را به عصر جلال موریانها که در
 جنوب هندو کش هم موقتاً نفوذ یافته بودند نسبت میدهند ولی با سنه و تاریخ هائیکه
 مستند به مدرک صحیح و موثق تعین نگردیم وجود مسکوکات فوق در ولایات شرقی و جنوبی
 افغانستان قدیم (آریانا) پیش از پیدایش مور یاها حتی دو قرن پیش تر از ظهور آنها
 در صحنه سیاست ثابت است و چون بعضی از نمونه های (پنج) در جنوب هند با بعضی
 سکه های رومی امپراطوری اگوست هم کشف شده و عموماً مراکز ضرب سکه در دو طرفه
 سواحل اندوس در ولایات شرقی افغانستان و پنجاب (تا کریلا) بوده احتمال زیاد
 درین است که این قبیل مسکوکات از نقاط فوق به مرور زمانه به فضای هند جنوبی انتشار
 یافته و تا عصر رو من دوام نموده باشد . بهر حال قرار نظریه مسترجی ام یونگه مدیر
 مدرسه انگلیسی اتن که حین حفریات تا کریلا در ۱۹۴۵ در شهر اخیرالذکر حضور
 داشت و مقاله در شماره جنوری ۱۹۴۶ (مجله هند قدیم) شایع کرده است واضح میشود
 که مسکوکات (بنت بار) از قرن ۴ ق م بعد تر معمول نبوده است .

نه در میان پنج ها همواری که در ۱۹۱۲ از بهر موندتا کز یلا بایسک سکه دیودوت موسس
 سلاه سلطنتی یونانو باختری پیدا شده از آن اثری هست و نه در طبقات عصر مور یانی شهر
 تا کزیلاونه در فشر مربوط بها کمیت شاهان یونانو باختری در آن شهر شوا هدی دیده شده
 است. پس مشار الیه چنین نتیجه می گیرد که با اختتام سلطنت محلی « امفیس » در تا کزیلا
 سکه های مطول در پنجاب از ضرب و رواج افتاده است به همین اساس واضح می شود که در
 کندهارا و پختیا دو ولایت شرقی و جنوبی افغانستان ضرب مسکو کات محلی مخصوصاً (بنت بار)
 تا زمان تهاجم اسکندر مقدونی حتی بعد از وفات او (۳۲۳ ق م) هم دوام داشته و به گمان
 من از روی سکه (ازیبا کوس) ژنرالی که بعد از تجزیة امپراطوری او در (تراس) به
 سلطنت می رسد می توان آخرین سالهای ضرب سکه های (بنت بار) را در کردیز در حوالی
 ۳۱۵ - ۳۲۰ ق م تعیین نمود . ملنفت باید بود که میان کردیز و باجور از نقطه نظر مسکو کات
 میله مانند ارتباط دیگری هم است و آن این است که از هر دو جا عمده سکه های بدون ضرب
 هم بدست آمده است ولی گمان غالب من در مورد این قبیل مسکو کات کردیز این است که
 آنها ضرب زده شده بودند و بعدتر کاربگر محلی با ضرب چکش آنها را هوار کرده تا کار
 دیگری از نقره آنها بگیرد .

ب . از ۲۵۰ ق م تا حوالی ۴۰ ق م .

با شرح فوق دسته اول مسکو کات محلی افغانستان که نظایر آنها در تا کزیلا هم بضرب
 رسیده ولی بیشتر محل ضرب و پیدایش آن ولایات کندهارا و پختیای افغانستان میباشد تمام
 شد دسته دوم که حالا مطالعه میکنیم و از نقطه نظر تنوع بیشتر مسکو کات میرز که را در
 بر میگیرد سکه هائی است مربوط به پادشاهان یونانو باختری و مخصوصا به او لاده و احفاد
 آنها که نه تنها در افغانستان بلکه در حصه بزرگی از هند شمالی هم حکومت می نمودند و دوقرن
 کامل روی صحنه سیاست و اداره موارث و تهذیب افغانستان جلو نمائی داشتند و با ایشان و فتوحات
 ایشان تهذیب مشترک یونانو باختری به ماورای شرقی اندوس (سند) در خاکهای پنجاب
 و دورتر ها در هند و چین انتشار یافت . مسکو کات یونانو باختری افغانستان از نقطه نظر نفاست
 و زیبایی و طرز کار و ضرب مشهور آفاق است و فن حکاکی و ضرب سکه و مهر کنی در این
 دوره در افغانستان به منتهای ترقی رسیده بود و این همان دوره معروفی است که افغانستان بحیت
 هلاک آسیائی کانون صنایع مستظرفه این گوشه آسیای قفق می شد و آثار هیکل تراشی این دوره
 کشور بسکی از بهترین مدارس شرقی است ، با وجودیکه مسکو کات ما هنوز همه اش پاك

و مطالعه نشد باز هم بلا انتظار ختم کار گفته میتوانیم که نمونه های مختلف مسکو کات تقریباً بیست نفر از پادشاهان یونانو باختری مخصوصاً سکه های کسانیکه بهداز ظهور اسکائی ها و کوشانیها در باختر مرکز نقل سلطنت آنها در جنوب هندوکش منبسط بود بدست آمده است اگرچه سلطنت مستقل یونانو باختری در باختر در حوالی ۲۵۰ ق م از طرف دیودوت اول اعلام شده است و لسی سکه او و پسرش دیودوت دوم و مسکو کات پادشاهان بزرگ یونانو باختری مثل ایوتیدم و دمتریوس و سکه های نقره ای ایو کرا تیدس در کولکسیون میرز که دیده نشده است بهرحال مسکو کات شاهان و امرای یونانو باختری را به ترتیب مراتب تاریخی و تنوع آن که از میرز که گریز بدست آمده دیلا شرح میدهم .

(۱) اتی ما کوس (حوالی - ۲۰۰ - ۲۳۰ ق م)

در میان مسکو کات میرز که دوتنوع سکه سی اتی ما کوس بدست آمده یکی مستطیل و دیگری مدوره در یک روی سکه مستطیل او تصویر قبل بدون کدام نوشته و در روی دیگران کلی بابرکت های طولانی و متناظر دیده میشود که به دو طرف آن به یونانی (باز یلوس اتی ما کوس) یعنی (اتی ما کوس پادشاه) نوشته است سکه مدوره او به دور رسم الخط یونانی و خروشتی ضرب رسیده در روی سکه ربه النوع فتح بابال های نیم باز ایستاده و در طرف دیگر آن شاه بالای اسپ سوار است .

موضع اتی ما کوس در تاریخ قدیم دوره یونانو باختری افغانستان چندان روشن نیست . سکه شناسان اصلاً از دوانتی ما کوس پدر و پسر صحبت میکنند فرار مسکو کاتی که در دست است معمولاً (اتی ما کوس) خود را به لقب (نه اوس) یعنی (کبیر) یاد کرده ولی سکه هایی از او در دست است که در بعضی های آن در یک روی سکه نام او در روی دیگر آن نام دیودوت مؤسس سلطنت یونانو باختری (۲۵۰ ق م) اسم برده شده و نمونه دیگری دیده شده که با وجودیکه بنام خود او ضرب رسیده ولی در طرف دیگر سکه سراپوتیدم سرسلسله دو مین خانواده سلطنتی یونانو باختری دیده میشود با این اساس سکه شناسان و مورخین او را از خویشاوندان و بستگان (دیودوت) و از معاصرین (دیودوت) و (ایوتیدم) میشمارند و میگویند که در عصر پادشاه اخیرالذکر یونانو باختری که کابل زمین از سلطه موریاها خلاص شده (اتی ما کوس) در آنجا امارت کرده است چون هندی به وجود اتی ما کوس دوم قایل اند احتمال زیاد میرود که مسکو کات میرز که مربوط به همین بناد شاه اخیرالذکر باشد مشارالیه و ایو کرا تیدس کسانی میباشد که بار اول رسم الخط خروشتی مخصوص مناطق جنوب هندوکش را در چپه مسکو کات خود استعمال نموده اند .



(میرز که) گردیز، مجرای رودخانه میرز که و چشمه نی که مسکوکات
از آنجا کشف شده است.



(میرز که) گردیز، مشکلی ها سکه می بالند

در زمانه امیر کبیر در سال ۱۲۸۵ قمری در این محل (میرز که)



(میرز که) گردیز ، کنایر مجرای آب چشمه اسپا هیان : مصروف پنا بدین
مسکوکات میباشند



(میرز که) گردیز ، اطافی که مسکوکات از آنجا کشف شده

(۲) پانتالئون حوالی ۱۹۰ ق م :

معمولا پانتالئون را برادر دمتریوس و پسر او تیدم پادشاهان یونان و باختری میدانند که به بعضی نظریه ها در ولایت یارو یا میزادی (ولایت کابل) و بنا به برخی عقاید دیگر در ولایت کندهارا از طرف دولت یونان و باختری امارت کرده است و چون این امراء حق ضرب سکه داشتند مسکو کاتی بضرر رسانیده است . سکه های او عموما مربع و مسی است و در میرزا که هم چندین عدد بدست آمده است و فراری که تذکر دادیم از روی سکه های مربع مسی که معمولا به تا کنزیرا نسبت داده میشود تقلید کرده است . در يك روی سکه او حیوانی است که برخی آنرا شیر تا کنزیرا و برخی پلنکک نکا را هارا (ننگرها - سمت مشرقی) تعبیر کرده اند و به ایونانی (بازیلوس یا آوتتوس) یعنی (پالو او تئوس پادشاه) نوشته است . در روی دیگر سکه او تصویر زنی است که برخی آنرا رقاصه هندی تعبیر کرده اند . مضمون فوق به رسم الخط خروشتی و به پرا کریت بصورت (راجا نو یا تاله و اشا) ثبت است .

(۲) اگاتو کلس حوالی ۱۸۵ ق م :

اگاتو کلس برادر و فرار اکثر احتمالات جانشین پانتالئون میباشد . مشارالیه سکه های مختلف بضرر رسانیده که یکی نوع مربع مسی آن عینا مانند سکه فوق الذکر پانتالئون است ولی تا حال در کولکسیون میرزا که نمونه آنرا ندیده ام نوع دیگر سکه او مدور و نقره ایست که در یک طرف تصویر شاه و چنانچه دیگر ذوبیتر ایستاده و از آن در میان سکه های گردیز بدست نیامده برخلاف سکه ازو از میرزا که پیدا شده است . سکه نقره ای و مدور است و لی در يك روی سکه تصویر پادشاه بدون کدام نوشته و در روی دیگر همان شیر یا پلنکک ایستاده و در یونانی (بازیلوس اگاتو کلسوس) یعنی (اگاتو کلس پادشاه) نوشته است . بر و فیسر ولسن در (اریانا انتی کوا) یعنی اریایای عقب تصویر سکه اخیر الذکر را داده و آنرا در جمله سکه های ضرب باختر حساب میکنند و میگویند که خیلی نادر است . (باقیدارد)

احمد علی کهزاد